

دکتر مهراپ داراب‌پور  
وکیل پایه یک دادگستری

## تقسیم منصفانه مهر پژوهشی برای تقلیل آلام زوجین

### مقدمه

به منظور تکریم و احترام به بانوان تمهیدات زیادی اندیشیده شده که اصول و مبانی آن در منشور حقوق و مسؤولیت‌های بانوان در نظام جمهوری اسلامی ایران با الهام از شریعت جامع و معتدل اسلام به منظور ایجاد زمینه رشد هماهنگ و متوازن ابعاد مادی و معنوی در زندگی فردی و اجتماعی و با عنایت به آزادی مسؤولانه بانوان و کرامت انسانی آنها، با توجه به تناسب بین حقوق و مسؤولیت‌ها، آمده است.

این منشور با تکیه بر شناخت و ایمان به خداوند متعال به عنوان مبدأ هستی و خالق موجودات، اختصاص تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او با بهره‌گیری از قرآن و سنت اهل بیت (ع) و عقل با اذعان به نقش بنیادی آنها در استنباط و بیان قوانین و احکام الهی و با توجه به مقتضیات زمان و مکان، با پرهیز از آمیزه‌های فکری مغایر با اسلام\* و به دور از تحجر فکری و خرافات و خودباختگی فرهنگی در مقابل بیگانه تدوین گردیده است.

گفته شده است مبنای اساسی منشور بر این اعتقاد بنیادین استوار است که در اسلام، زن و مرد در فطرت و سرنوشت\*\*، هدف خلقت\*\*\*، برخوردار از استعدادها و

\* - ان الحکم الا لله، سوره یوسف، آیه ۴۰ و سوره انعام، آیه ۵۷.

\*\* - فطره الله التي فطر الناس عليها، سوره روم، آیه ۳۰.

\*\*\* - و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون، سوره ذاریات، آیه ۵۶، الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم ایکم احسن عملا، سوره ملک، آیه ۲.

امکانات،\* امکان کسب ارزش‌ها\*\* و پیشتازی در ارزش‌ها\*\*\* پاداش و جزای اعمال فارغ از جنسیت،\*\*\*\* در برابر خداوند یکسان می‌باشند و فقط به واسطه رشد همه جانبه انسانی در سایه دانش و علم،\*\*\*\*\* تقوی الهی،\*\*\*\*\* و ایجاد جامعه‌ای شایسته\*\*\*\*\* بر یکدیگر مزیت پیدا می‌کنند. و در ادامه آورده شده است: «از سوی دیگر زن و مرد از نظر ویژگی‌های جسمی و روانی دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که این تفاوت‌ها مبتنی بر حکمت الهی و به عنوان راز تداوم حیات بشر، کلیت منسجمی را تشکیل می‌دهد تا در نهایت، رابطه متقابل ناشی از تناسب فکری و عاطفی میان آن دو، حیات معقول و والای انسانی امکان و تداوم باید. لذا منجر به کم شدن ارزش زن و یا تبعیض ظالمانه بین زن و مرد \*\*\*\*\* نمی‌گردد.»

به جهت اشتراک زن و مرد در حقیقت انسانی، در بیشتر موارد زن و مرد در نظام حقوق اسلام از حقوق و مسؤولیت‌های یکسانی برخوردار می‌باشند. تفاوت در حقوق و مسؤولیت‌ها امری است که نشان‌دهنده برتری جنسی بر جنس دیگر نمی‌باشد و عمدتاً مولود عناوین حقوقی خاصی است که هر یک از زن و مرد به تناسب نقش‌های ویژه و بدل‌ناپذیر در خانواده پیدا می‌کند این تفاوت از آن جهت است که امکان وجود سلامت

\* - الف) تکوینی طبیعی: سخر لکم ما فی السموات و الارض، سوره جاثیه، آیه ۱۳.

ب) تکوینی معنوی: جعل لکم السمع و الابصار و الافئده، سوره نحل، آیه ۷۸. و نفس و ما سویها فالهمها فجورها و تقویها، سوره شمس، آیات ۷ و ۸ - علم الانسان ما لم يعلم، سوره علق، آیه ۵.

\*\* - ان المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرین و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیرا و الذاکرات اعدالله لهنم مغفرة و اجراً عظیما، سوره احزاب، آیه ۳۵ - من عمل صالحاً من ذکر او انثی و هو مومن فلنحیینه حیوه طیبه؛ سوره نحل، آیه ۹۷.

\*\*\* - ضرب الله مثلاً للذین امنوا امراء فرعون ... و مریم بنت عمران، سوره تحریم، آیات ۱۱ و ۱۲ - ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریتنا قره اعین و جعلنا للمتقین اماما، سوره فرقان، آیه ۷۴.

\*\*\*\* - فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره و من يعمل مثقال ذره شرأ یره، سوره زلزله، آیات ۷ و ۸.

\*\*\*\*\* - هل یرتوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون، سوره زمر، آیه ۹.

\*\*\*\*\* - یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقیکم، سوره حجرات، آیه ۱۳.

\*\*\*\*\* - فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیما، سوره نساء، آیه ۹۵.

\*\*\*\*\* - ان الله یامر بالعدل و الاحسان، سوره نحل، آیه ۹۰.

مادی و معنوی خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد جامعه که جایگاه حقیقی پیدایش و پرورش انسان است، تأمین گردد.

با بیان این مطالب یک سؤال مطرح می‌شود که آیا واقعاً قدرت مرد و زن برابر است؟ آیا مرد نمی‌تواند هر لحظه اراده کند همسر خود را از زندگی مشترک با خود محروم کند؟ آیا زن با شوهری که می‌تواند ده سال یا بیشتر در بیچ و خم دادگاه‌ها زوجه خود را سرگردان کند و حاضر به طلاق وی نگردد برابر است؟ آیا واقعاً زوجی که دادگاه‌ها را نیز در کش و قوس و اطاله دادرسی به زانو درمی‌آورد و از قدرت اقتصادی زیادی برای استخدام وکلای برجسته و مبرز برخوردار است برابر با زوجه‌ای است که عمر خود را فدای زوج و بچه‌های او کرده و هیچ توان اقتصادی ندارد؟ البته چنین نیست. شعارها را باید برای صلح و صفا و صمیمیت بین زوجین محفوظ نگاه داشت اما نباید با این شعارها حقوق بانوان را نادیده گرفت.

قسط بندی مهر به مقدار کم با عدالت هماهنگی و همگونی ندارد مگر اینکه معانی عدل و انصاف و عدالت تغییر داده شوند.

### علت نگارش\*

در روابط خانوادگی، صرف نظر از برخی سوءاستفاده‌ها و حیل قانونی که برخی از زنان معمول می‌دارند، مشکل در این است که هنوز در جامعه ایران مردسالاری حکومت می‌کند، کار کردن زوجه در خارج از خانه، هر چند متعارف و معمول است لیکن فراگیر نیست. حفظ شخصیت دخترانه نیز برای ازدواج امری مطلوب و پسندیده است و چنانچه کسی، حتی شرعاً و قانوناً، فاقد این وصف باشد، مثلاً به علت ازدواج قبلی، با مشکل فراوان می‌تواند همسر دلخواه خود را انتخاب کند و زندگی آرام‌بخشی داشته باشد. تدارک مهر به نحوی جبران خسارت مادی است که بر بانوان جامعه وارد

\* - در برخی از کتاب‌های بررسی فقهی حقوق خانواده که بیش از ۵۰۰ صفحه راجع به مطالب نکاح و طلاق بحث کرده‌اند حتی یک صفحه، یا یک سطر هم راجع به تقسیم مهریه در زمان یا بعد از طلاق بحث نشده است. برای مثال ر.ک. محقق داماد، دکتر سیدمصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، ۱۳۸۴، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۲۳۸.

می شود. خدشه بر جبران خسارت و تقسیط ناروای مهر می تواند زندگی زوجه سابق را تحت الشعاع قرار داده و گاه نیز موجبات پریشانی روان وی را فراهم آورد که این پریشانی می تواند به نوبه خود در جامعه و بر دیگران نیز اثر نامطلوب بگذارد. تلاش برای رفع این معضل بی اجر نخواهد ماند.\*

از زمانی که وضع تحصیلی بانوان همانند مردان و گاهی فراتر از مردان پیش رفت، کم کم سؤالاتی مطرح شد که ضامن بودن مرد به پرداخت مهر و حدود آن چقدر است؟ اگر تفاوت ارزش و کسر مالیت در ارزش پول پیش آمد ضمان مرد نسبت به پرداخت کسری ارزش مهر چگونه خواهد بود؟ با تورم حاصل از گذشت زمان و سقوط ارزش پول چه برخوردی باید داشت؟ چنانچه مرد نسبت به کسر ارزش پول ضامن نباشد و زن برای فرار از کسر ارزش پول به محض وقوع عقد مهر خود را مطالبه کند ولی مرد از پرداخت آن خودداری و مپاطله کند آیا از باب لاضرر و تسبیب، سنجش مهر به قیمت روز ضروری است؟ و چنانچه مرد در پرداخت اقساط مهر قصور ورزد، ضررهای وارده از باب تسبیب، یا مهر به قیمت روز، قابل مطالبه است یا خیر؟ و ده ها سؤال دیگر که برای برخی از آنها چاره جویی شده و درخصوص بعضی دیگر هنوز به پایان نرسیده است. مسأله‌ای که بررسی آن هدف این مقاله است مقابله با تقسیط مهر به نحوی است که مشکل زوجه را حل نمی کند، بلکه حلاوت مالکیت مهر را با تلخی قسطبندی آن در پیچ و خم دادگاه‌ها و اجرای احکام از بین می برد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رئیس‌جمهور

### مهر در فرهنگ

در اسلام نکاح بی مهر نیست،\*\* حتی اگر مهر هم تعیین نشود قهراً ثابت می گردد

\* - هدف از این مقاله حمایت از افراد کلاهبرداری نیست که به قصد اخذ مهریه از مردان عقد ازدواج منعقد می کنند. این افراد نه تنها عقدشان باطل است بلکه باید اصل مال مأخوذه و خسارت وارده به زوج را مسترد کنند و به دو برابر هم جریمه، علاوه بر زندان، محکوم گردند. در برخی موارد یک الی هفت سال زندان و گاهی بیشتر در انتظار این گونه کلاهبرداران خواهد بود.

\*\* - برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به:

(۱) حلی، یوسف بن علی بن مطهر (علامه حلی)، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، ج ۵، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ه.ق، ص ۵۴۲

مگر اینکه زن آن را به مرد ببخشد. مهر در اسلام یک امر شرعی تنفیذی است. برخی آن را شرط صحت عقد نکاح دانسته و دیگران منکر شرطیت آن شده‌اند. صاحب جواهر عنوان می‌فرماید که به اجماع فقها مهر رکنی از ارکان ازدواج و نیز شرط صحت عقد نکاح نیست حتی اگر شرط عدم مهر شود باز هم بر زوج است که مهر را کم یا زیاد پرداخت کند.\*

مهر یک سنت و قانون تأسیسی اسلامی نیست. اسلام فقط به علت مفید بودن آن وجود مهر را تنفیذ کرده است. اگر در یک زمان در آینده قرار باشد هیچ مهر واقعی وضع نشود، مشکلی از نظر مقررات اسلامی ندارد.

از آنجا که مقدار مهر توافقی است و زمان و نحوه پرداخت نیز می‌تواند با توافق انجام شود، مهرها را می‌توان از نظر نوع پرداخت به دو دسته عندالمطالبه و عندالاستطاعه تقسیم کرد و مهرهای چشم هم چشمی را هم می‌توان به آن افزود که غرض مرد و زن پرداخت و دریافت تمام یا بخشی از آن نیست بلکه یک نوع تفاخر و فخر فروشی است.

#### ● مهرهای عندالمطالبه

اگر در عقد شرط شود که زن هر موقع خواست می‌تواند مهر خود را مطالبه کند، این نوع مهر را مهر عندالمطالبه می‌گویند. از آنجا که به مجرد عقد زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند طلب خود را از مدیون (شوهر) مطالبه کند چنانچه در عقد ذکر از زمان پرداخت مهر به میان نیامده باشد، مهر عندالمطالبه شمرده می‌شود. اگر مهر عین معین

(۲) عاملی، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة، ج ۲، بیروت، دارالعالم الاسلامی، چاپ دوم، ۱۹۸۳ میلادی، ص ۱۵۷.

(۳) نجفی، شیخ محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ میلادی، ص ۱۷.

(۴) حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، بیروت، مؤسسه آل البیت الاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق. ب ۱۹ ابواب مهور حدیث یک.

(۵) خمینی، امام روح‌الله، تحریرالوسیله، ج ۲، تهران، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۶۵.

(۶) انصاری، شیخ مرتضی، الرسائل، قم، نفی علامه، ۱۳۶۷، ص ۴۰۴.

(۷) قرطبی، محمدبن احمدبن رشد، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه، ۱۹۸۱ میلادی، ج ۲، ص ۲۶.

\*-نجفی، شیخ محمد حسن، همان منبع ص ۱۷

نباشد پس از انعقاد عقد، زوجه از زوج طلبکار می‌شود و می‌تواند آن را از زوج مطالبه کند، هر چند به مجرد عقد مالکیت زن بر ملک یا مال صدق پیدا نمی‌کند.

#### ● مهرهای عندالاستطاعه

گاهی شوهر برای اینکه تحت فشار دادگاه قرار نگیرد، پرداخت مهر را عندالاستطاعه قرار می‌دهد. در این صورت چنانچه کل مهر عندالاستطاعه باشد زن در تنگنای اقتصادی قرار می‌گیرد لذا به آن توصیه نمی‌شود. رویه دفاتر ازدواج، عدم درج این گونه مهرها در عقد نامه‌ها می‌باشد.

#### ● مهرهای رقابتی

در برخی شهرها آداب تفاخر به مهر زیاد وجود دارد. هر دختری تلاش می‌کند که مهر خود را بیشتر از مهر دختران فامیل یا همسایگان قرار دهد و موجبات تفاخر خود را فراهم آورد. این اقدام بسیار ناپسند بوده و از دیدگاه دینی هم اقدام شایسته‌ای محسوب نمی‌شود. با این حال، شاید بتوان این گونه مهرها را با نوع پرداخت تعدیل کرد؛\* مثلاً قسمت متعارفی از مهر عندالمطالبه باشد و قسمت بزرگ آن عندالاستطاعه قرار داده شود تا هم به غرور دختر و هم به خانواده او لطمه روانی وارد نشود و هم تکلیف ما لایطاق بر زوج بار نگردد. مشکل می‌توان زوج را برای قرار دادن این گونه مهرها در کابین همسرش محجور شمرد.

لذا نمی‌توان با آن دسته از مراجعی که این گونه افراد را سفیه دانسته و دخل و تصرف آنها در اموالشان را منوط به اجازه ولی یا قیم می‌دانند، موافقت کرد.\*\*

#### مهر کم و توصیه به آن

در احادیث و روایات به کرات توصیه به تعیین مهرهای کم شده به طوری که انسان تصور می‌کند کم بودن مهر از ضروریات است. اما هیچ چیز مانع از این نیست که زن مهر

\* - ر.ک. یولادی، ابراهیم، مهر و تعدیل آن، نشر دادگستر، ۱۳۸۳، ص ۴۸، مهر در عربستان قبل از اسلام.

\*\* - آیت... مکارم شیرازی در مصاحبه تلویزیونی این گونه افراد را سفید قلمداد کرد و زوجه را در صورت جمع شرایط مستحق مهرالمثل دانست.

خود را سنگین قرار دهد\*. گاهی نیز مهرهای سنگین ضروری بوده و اجتناب ناپذیر است. منظور از اجتناب ناپذیر بودن این مهر رعایت چشم و هم چشمی‌ها نیست، بلکه ضرورت‌های دیگر آن را ایجاب می‌کند.

### ● مهر در قرآن\*\*

در قرآن کریم قرارداد مهر زیاد برای زنان منع نشده است. بالعکس بر وفای به عهد تأکید زیادی شده است. بنابراین، چنانچه مبلغ بسیاری (مثلاً مقدار بسیار زیادی طلا) مهر زنان قرار داده شده،\*\*\* نباید از آن هیچ چیز (به طور ناروا) کم گردد و همه را باید پرداخت. تأدیه مهر ضروری است هر چند به قنطار باشد. از امام صادق منقول است که قنطار مقدار طلایی است که پوست یک گاو را پر می‌کند.\*\*\*\* به عبارت ساده امروزی اگر مهر زن میلیاردها تومان هم قرار داده شده باشد، نباید بدون رضایت وی ذره‌ای از آن کاست. با این توصیف، درست است که بالا بودن مهر برای مردان ناخوشایند است ولی

\* - ر.ک. سادات عربی، مریم، (مهر یا مهر)، ماهنامه زائر، شماره ۶۲، آبان ۱۳۷۸، ص ۲۲.

\*\* - سوره نساء آیات ۴ و ۲۴ و سوره بقره آیه ۲۳۷ را نیز ملاحظه فرمایید.

\*\*\* - مفسران در تفسیر آیات ۲۰ و ۲۱ سوره نساء آورده‌اند:

معمولاً پیش از اسلام رسم بر این بود که هر مردی که قصد طلاق همسر خود را داشت و اراده ازدواج دوباره می‌کرد برای آنکه از پرداخت مهر فرار کند همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کرد تا زن مهرش را که قبلاً دریافت کرده بود مسترد دارد و طلاق گیرد و مرد همان مهر را برای همسر دوم قرار می‌دهد.

خداوند در آیه ۲۰ این کار را مورد نکوهش قرار می‌دهد. این آیه برای حمایت از حقوق زنان نازل شده، و به عموم مسلمانان دستور می‌دهد که در هیچ حالی به ویژه زمانی که تصمیم بر جدایی از همسر اول خود می‌گیرید حق ندارید چیزی از مهر همسر اول خود کم کنید هر چقدر هم که مهر زیاد باشد که از آن به قنطار تعبیر شده است و در روایتی از امام باقر و امام صادق (ع) نقل شده که قنطار مقدار طلایی است که پوست یک گاو را پر کند. سپس اشاره به طرز عمل دوران جاهلیت کرده و می‌فرماید: «آیا برای بازپس گرفتن مهر زنان متوسل به تهمت و گناه آشکار می‌شوید». یعنی اصل ندادن مهر ظلم است و گناه و متوسل شدن به یک وسیله ناجوانمردانه، گناه آشکار دیگری است. در این آیه همچنین عنوان گردیده شما به همسرانتان مدت‌ها با هم همانند یک روح در دو بدن بوده‌اید چگونه بعد از این همه ارتباط همچون بیگانگان با هم رفتار می‌کنید و حقوق مسلم آنان را پایمال می‌کنید؟ سپس می‌فرماید: «از این گذشته همسران شما پیمان محکمی به هنگام عقد ازدواج از شما گرفته‌اند چگونه این پیمان مقدس و محکم را نادیده می‌گیرید و اقدام به پیمان شکنی آشکار می‌کنید؟» در واقع همانطور که مفسرین عنوان کرده‌اند در هر موردی که طلاق و جدایی به پیشنهاد مرد صورت گیرد و زن تمایلی به جدایی نداشته باشد باید تمام مهر پرداخته شود و اگر پرداخت شده، چیزی از آن بازپس گرفته نشود، خواه تصمیم بر ازدواج مجدد وجود داشته باشد یا نه.

\*\*\*\* - مکارم شیرازی و غیره، تفسیر نمونه، جلد سوم، چاپ اول زیر تفسیر آیات ۲۰ و ۲۱ سوره نساء، ص ۳۲۲

در عین حال به علت نسبیّت آن برای بانوان مطلوب است و حلاوت و شیرینی خاصی دارد.

صدای تیشه فرهاد با هر ضربه کوچک

بلای جان خسرو روح بخش جان شیرین است

وقتی زوجین توافق و قرارداد محکمی در مورد پرداخت مهر دارند، چاره‌ای جز صلح یا پرداخت کامل مهر وجود ندارد؛ هر چند مبلغ مهر بسیار زیاد باشد، باز از باب اوفوا بالعقود و المؤمنون عند شروطهم قابل احترام و قابل اجرا می‌باشد.

در قرآن کریم، در تأیید آداب و اخلاق جامعه برای تأدیه مهر از طرف شوهر به زن، حتی در اختلافات و جنگ‌ها نیز مراعات پرداخت مهر ضروری شمرده شده است. به ترجمه آیات ۱۰ و ۱۱ سوره ممتحنه توجه فرمایید:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که زنان با ایمان به عنوان هجرت نزد شما آیند آنها را آزمایش کنید - خداوند از ایمان آنها آگاه‌تر است - هر گاه آنان را مؤمن یافتید آنها را به سوی کفار بازنگردانید، نه آنها برای کفار حلالند، و نه کفار برای آنها حلال، و آنچه را همسران آنها پرداخته‌اند به آنها بپردازید، و گنای بر شما نیست که با آنها ازدواج کنید چنانچه مهرشان را به آنها بدهید، و هرگز همسران کافره را در همسری خود نگه ندارید و حق دارید مهری را که پرداخته‌اید مطالبه کنید، همان گونه که آنها حق دارند مهر زانشان را که از آنان جدا شده‌اند از شما مطالبه کنند، این حکم خداوند است که در میان شما حکم می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.\* و اگر بعضی از همسران شما از دستتان بروند و شما در جنگی به آنان پیروز شدید و غنایمی گرفتید به کسانی که همسرانشان رفته‌اند همانند مهری را که پرداخته‌اند بدهید، و از مخالفت خداوندی که همه به او ایمان دارند بپرهیزید.»\*\*

\* - قرآن سوره ممتحنه، آیه ۱۰: «یاایهاالذین ءامنوا اذا جاءکم المؤمنت مهاجرت فامتحنوهن الله اعلم بایمنهن فان علمتموهن مؤمنت فلا ترجعوهن الی الکفار لانهن حل لهن و لا هم یحلون لهن و ءاتوهن ما انفقوا و لا جناح علیکم ان تنکحوهن اذا اتینموهن اجورهن و لا تمسکوا بعصم الکافر و سئلوا ما انفقتم و لیسئلوا ما انفقوا ذلکم حکم الله یحکم بینکم واللّه علیم حکیم».

\*\* - قرآن، سوره ممتحنه، آیه ۱۱: «و ان فاتکم شیء من ازواجکم الی الکفار فعاقبتن فئاتو الذین ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون».



گروهی از دانشمندان اسلامی در شأن نزول این آیات چنین آورده‌اند\* که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیبیه با مشرکان مکه پیمانی امضا کرد که یکی از مواد پیمان این بود که هر مردی از اهل مکه به مسلمانان بیبوندد او را بازگردانند، اما اگر کسی از مسلمانان اسلام را رها کرده به مکه بازگردد می‌توانند او را برنگردانند.

در این هنگام زنی به نام سبیهه اسلام را پذیرفت، و در همان سرزمین حدیبیه به مسلمانان پیوست، همسرش خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت، ای محمد! همسرم را به من بازگردان، چرا که این یکی از مواد پیمان ماست، و هنوز مرکب آن خشک نشده، آیه فوق نازل شد و دستور داد زنان مهاجر را امتحان کنند (ابن عباس می‌گوید امتحانشان به این بود که باید سوگند یاد کنند هجرت آنها به خاطر کینه با شوهر، یا علاقه به سرزمین جدید، و یا هدف دنیوی نبوده بلکه تنها به خاطر اسلام بوده است). آن زن سوگند یاد کرد که چنین است.

در اینجا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مقدار مهری را که شوهرش پرداخته بود و هزینه‌هایی را که متحمل شده بود به او پرداخت و فرمود: طبق این ماده قرارداد تنها مردان را باز می‌گرداند نه زنان را.

در تفسیر این آیه آورده‌اند: پیمان مقدس ازدواج نمی‌تواند رابطه در میان مؤمن و کافر برقرار سازد، چرا که اینها کفو نبوده و در دو خط متضاد قرار دارند، در حالی که پیمان ازدواج باید نوعی وحدت در میان زوجین برقرار سازد و این دو با هم سازگار نیستند. البته در آغاز اسلام که هنوز جامعه اسلامی استقرار نیافته بود زوج‌هایی بودند که یکی کافر و دیگری مسلمان بود، و پیامبر از آن نهی نمی‌کرد تا اسلام استقرار کامل یافت، ولی ظاهراً بعد از صلح حدیبیه دستور جدایی کامل داده شد و آیه مورد بحث یکی از دلایل این موضوع است. تأکید بر مهر در این آیات دلالت بر این دارد که نباید پایه و اساس مهر به خاطر جنگ و جدال به هم بخورد و این سنت پیشینیان در اسلام نیز پذیرفته و تنفیذ گردید. حق مردم را نباید به هر دلیلی، حتی به علت جنگ، ضایع کرد.

## ● احادیث و روایات

در مورد بانوان خوب بسیار سخن به میان رفته است. حقوق و تکالیف همدوش و همگام یکدیگرند. بهترین زنان برای بهترین مردان می‌باشند و زن خوب و پاکیزه شایسته مرد خوب و پاکیزه است. از آنجا که هر چیزی نسبی است، چه بانوانی نسبت به همسرانشان خوب می‌باشند؟ بانوانی که دارای اوصاف حمیده در احادیث و روایات هستند.

الف) رسول اعظم(ص) فرمود: افضل نساء امتی اصبحهن وجها و اقلهن مهرا. \*\*  
برترین زنان امت من زنی است که زیباییش بیشتر و صداقتش کمتر باشد.

ب) امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: لاتغالوا بمهور النساء فتكون عداوه. \*\* بسیار فرموده شده است که مهرها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است.

پ) از حضرت صادق(ع) منقول است که فرمود: من برکه المراه خفه مؤنتها و تیسیر ولادتها و من شومها شدة مؤنتها و تعسیر ولادتها. \*\*\* کم خرجی و آسانزایی از برکت زن، و سنگینی مخارج و هزینه و دشواری از شومی اوست.

ت) نقل است که رسول خدا(ص) فرمود: لاتغالوا بمهور النساء فانما هی سقیما الله سبحانه. \*\*\*\* مهرها را سنگین نگیرید، مهر و محبت را باید خداوند مهربان فراهم آورد، پول و مال عشق و محبت نمی‌آورد.

ث) باز نقل شده است که رسول اکرم(ص) به زنی بنام حولا فرمود: یا حولا والذی بعثنی بالحق نبیا و رسولا، ما من امراه ثقلت علی زوجها المهر الا اثقل الله علیها سلاسل من نار. \*\*\*\*\* ای حولا به آن خدایی که مرا بر حق به پیامبری و رسالت مبعوث کرد، زنی نیست که مهر سنگین بر عهده شوهرش بگذارد، مگر اینکه خداوند زنجیرهای آتش بر گردن او گذارد!

با این توصیف، نقل است که زنان مسلمان صداق خود را از مهرالسنه بیشتر قرار

\* - بحار، ج ۱۰۳، ص ۳۴۷.

\*\* - بحار، ج ۱۰۳، ص ۳۴۷.

\*\*\* - ازدواج در اسلام ۹۵/.

\*\*\*\* - مجازات نبویه ۱۸۲/.

\*\*\*\*\* - ازدواج در اسلام/ ۹۶- ۹۷.

ندهند. چنانچه چنین مطلبی رخ دهد بسیار برای مردان مبارک خواهد بود. یعنی مرد حق طلاق را با پرداخت پانصد درهم (حدود ۱۶۳۰۰۰ تومان) دارد تا زن این مقدار را برای ۱۰ روز اجاره یک منزل متوسط بپردازد و سپس آواره خیابان شود. البته مهرهای سنگین از نظر اسلام و شرع مذموم و موجب عداوت است. در تعیین مهر راه افراط و تفریط را نباید پیمود.

گاهی از طرف افرادی تقاضای مهرهایی می شود که صرفاً باعث نفرت، اتلاف عمر و ضایع شدن وقت زوجین برای انعقاد عقد می شود. مثلاً درخواست ۱۷۰۰۰ سکه طلا و به عبارت دیگر به قیمت امروز دو میلیارد و پانصد و پنجاه میلیون تومان (یعنی حقوق حدود ۷۵ کارمند در ۳۰ سال، حقوق هر کارمند در ۳۰ سال ۵۴ میلیون تومان است) یا به عبارتی دیگر، بستگان زوجه، زوج را مجبور می کنند که ۴۲۵ ماشین پراید صفر کیلومتر را تعهد کند این در حالی است که ممکن است تا آخر عمر نتوانند یک پراید را برای استفاده شخصی خود و خانواده تهیه کنند. این گونه موارد نه تنها ایجاد محبت نمی کند بلکه نفرت و نگرانی را نیز به ارمغان می آورد. با کوچکترین اختلاف جزئی، فریاد مرد بلند می شود که المفلس فی امان الله و تلخی زندگی زوجه را در وضعی قرار می دهد که بگوید مهرم حلال و جانم آزاد. ایجاد محبت جدید با دیگران نیز در این حالت کار چندان آسانی نیست. عقده انعقاد عقد باز می شود ولی عقده دل ها کماکان بسته خواهد ماند و روز به روز متورم تر می گردد.

تاکنون صفات زنان خوب مطرح شد حال چه مردی برای یک زن مؤمن خوب و پسندیده است؟ چنین مردی باید دارای اوصاف حمیده باشد. به عبارت دیگر مردی که:

۱. مهر زنش را بیشتر، بیشتر و بیشتر قرار دهد.

۲. اگر چند محموله طلا و جواهر هم مهر وی کرده باشد، حق وی را تا نهایت استطاعت خود بپردازد.

۳. مسکن خوب و امکانات تهیه کند و آسایش کامل را برای زوجه فراهم آورد.

۴. در یک کلمه نعمت های دنیوی را برای وی به ارمغان آورد.

#### ● مهر در قانون مدنی

در کتاب های حقوقدانان، از مهر موضوعه در قانون مدنی به طور مفصل بحث شده

است\* در این خصوص می‌توان به طور خلاصه عنوان کرد، مهر در قانون مدنی مالی است که زوج در قبال پذیرش همسری زوجه به وی تأدیه می‌کند. در معنای لغوی به معنای عوض است و برخی آن را ارزش بضع زن\*\* در وقت تزویج دانسته‌اند. گروهی آن را نشانه رغبت مرد به زن\*\*\* و بعضی آن را نشانه صدق ایمان و گروهی آن را نشانه صادق و راستین عشق مرد به زن تعبیر کرده‌اند.\*\*\*\*

در عقد صحیح،\*\*\*\*\* هر چیز که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد را می‌توان باتراضی\*\*\*\*\* به عنوان مهر قرار داد.\*\*\*\*\* مثل حقوق ماهیانه، درآمد یک

- \* - ر.ک. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۳۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م، ص ۲ - صفایی، دکتر سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی اشخاص خانواده اموال، ج ۱، تهران، مؤسسه حسابداری، چاپ سوم، ۱۳۵۰، ص ۱۴۵.
- برای مطالعه بیشتر در مورد مهر در حقوق مدنی ایران و غیره مراجعه شود به:
۱. آراد، دکتر علی، «مهر تاریخچه و ماهیت احکام آن، حقوق مقایسه‌ای مذاهب»، تهران چاپ مصطفوی چاپ اول ۱۳۴۱.
  ۲. مطهری، استاد شهید مرتضی، «نظام حقوق زن در اسلام»، قم، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۷۵.
  ۳. خامنه‌ای، حجت‌الاسلام سیدمحمد، «حقوق زن: مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر». تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۵.
  ۴. عاملی، باقر، «حقوق خانواده»، تهران، مدرسه عالی دختران ایران، چاپ اول بهمن ماه ۱۳۵۰.
  ۵. باباخانی، زرین، «مهر حقوق خاصه زوجه»، تهران، نشر رامین، چاپ اول ۱۳۷۷.
  ۶. موحد، دکتر محمدعلی، «مختصر حقوق خانواده»، تهران، انتشارات مدرسه عالی حسابداری و علوم مالی، چاپ دوم.
  ۷. توانا علمی، فاطمه، «مهر و پیامدهای افراط و تفریط»، روزنامه خراسان، ۱۳۷۹/۱۰/۲۵.
  ۸. شهیدی، دکتر مهدی، «نگاه قانونی به مسأله مهر زنان به نوح روز»، نشریه زن روز، شماره ۱۶۷۸.
  ۹. حقانی زنجانی، حجت‌الاسلام حسین، «حقوق خانواده در اسلام»، قم، دارالتبلیغ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۰.
  ۱۰. بازدار، یداله، «حقوق خانواده (قانون مدنی در آئینه آرای دیوانعالی کشور)»، جلد اول، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- \*\*\* - محمد بن علی التهاونی، کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، کلکته، شیانک موسیقی اف بنگال، ۱۸۶۲، ص ۱۳۲۸.
- \*\*\*\* - عاملی، زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام الی تفسیح شرایع الاسلام، ج ۸، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ، ص ۱۵۷.
- \*\*\*\*\* - پاک‌نژاد، دکتر سیدرضا، ازدواج مکتب انسان‌سازی، ج ۱، قم، نشر اخلاق، چاپ سوم، ۱۳۷۴، ص ۱۹۴.
- \*\*\*\*\* - ماده ۱۰۹۸ ق.م. - در عقد فاسد که زن جاهل باشد زن مستحق مهرالمثل است (ماده ۱۰۹۹ ق.م).
- \*\*\*\*\* - ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی.
- \*\*\*\*\* - ماده ۱۰۷۸ ق.م.

کارخانه، سرقلی یک مغازه تا حدی که برای طرفین به اندازه کافی معلوم باشد.\*  
 همین اندازه که مهر قابل تعیین باشد کفایت می‌کند و ضرورت ندارد کاملاً معین باشد.\*\* تعهد پرداخت مهر توسط شخصی ثالث، تعهد شوهر را برای پرداخت مهر از بین نمی‌برد. در عین معین به محض وقوع عقد زن مالک مهر می‌شود\*\*\* که حسب تراضی طرفین به یکباره یا به اقساط پرداخت می‌شود.\*\*\*\*

مرد یا شخص ثالث که تعیین مهر بعد از عقد به آنها واگذار شده می‌توانند مبلغ مهر را هر قدر بخواهند قرار دهند،\*\*\*\*\* اما زن، در این صورت، فقط می‌تواند مهر خود را به اندازه یا کمتر از مهرالمثل قرار دهد.\*\*\*\*\* البته در تعیین مهرالمثل، حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و شرایط

\* - ماده ۱۰۷۹ ق.م.

\*\* - جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، حقوق خانواده ص ۱۴۵، مقایسه شود با امامی، دکتر سیدحسن، حقوق مدنی، جلد ۴، ص ۳۸۱ و صفایی، دکتر سیدحسین و امامی، دکتر اسداله، حقوق خانواده، شماره ۱۴۴.

\*\*\* - ماده ۱۰۸۲ ق.م.

\*\*\*\* - ماده ۱۰۸۳ ق.م.

\*\*\*\*\* - ماده ۱۰۸۹ ق.م.

\*\*\*\*\* - ماده ۱۰۹۰ ق.م.

مهرالمثل: مهرالمثل مهری است که به موجب قرارداد تعیین نشده، بلکه برحسب عرف و عادت و با توجه به وضع زن از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات، موقعیت خانودگی و اجتماعی او و غیر اینها و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان معین می‌گردد. ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود. در فقه امامیه گروهی از فقها برآنند که مهرالمثل نباید از مهر سنت تجاوز کند ولی در قانون مدنی این نظر پذیرفته نشده و محدودیتی در تعیین مهرالمثل نیست در صورت بروز اختلاف دادگاه میزان مهرالمثل را با توجه به عوامل مختلفی که در آن مؤثر است تعیین خواهد کرد.

مهرالمسمی: هرگاه مهر در عقد ازدواج تعیین شده باشد، آن را مهرالمسمی گویند. اصطلاح مهرالمسمی از فقه اسلامی گرفته شده و در ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی به کار رفته ولی قانون آن را تعریف نکرده است. معهذاً با استفاده از مواد مختلف قانون مدنی و با توجه به فقه اسلامی می‌توان گفت: مهرالمسمی عبارت از مال معینی با قابل تعیینی است که به عنوان مهر با توافق زوجین تعیین می‌شود یا شخصی که زوجین انتخاب کرده‌اند معین می‌کند. مهرالمتعه: اگر در عقد نکاح مهر ذکر نشود و زوج پیش از دخول و تعیین مهر، زوجه را طلاق دهد باید به زوجه مهرالمتعه بدهد (ماده ۱۰۹۳ ق.م) مقدار مهرالمتعه به وضع مالی زوج بستگی دارد (ماده ۱۰۹۴ ق.م) پس مهرالمتعه ممکن است بیشتر یا کمتر یا مساوی مهرالمثل باشد.

منابع، حقوق خانواده، شماره ۱۶۰، ۱۶۴، ۱۶۵ و ۱۶۹ - تفسیر قرطبی ۱۵/۱۹۷/۳ - ۲۰ - ص ۱۶/۲۰۰ ترمینولوژی حقوق. به نقل از جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۵، گنج دانش، ۱۳۸۱، ص ۳۵۷۸.

زمان و مکان و غیره در نظر گرفته می شود.\*

از آنجا که محل بحث ما در اینجا مقدار و نوع مهر و تقسیط آن با رضایت طرفین نیست، بلکه تقسیط آن توسط دادگاه می باشد، به همین مقدار اکتفا می کنیم، تا فرصت بحث سایر موارد از دست نرود.

ماهیت مهر هر چه باشد اعم از هدیه\*\* یا رفع کاستی های مالی در حقوق زن،\*\*\* یا نشانه عواطف روحی و معنوی بین زوجین\*\*\*\* یا حمایت از موقعیت زنان یا ما به ازای بضع\*\*\*\*\* یا حتی پول زور و رقابت در اسارت مردان، در بدهکاری مرد و مالکیت زن بر آن

\* - ماده ۱۰۹۱ ق.م.

\*\* - ر.ک.

۱. یوسف بن علی بن مطهر الحلی، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، ج ۳ (تهران: نشر اسماعیلیان، ۱۳۸۹ هـ) ص ۱۳؛

۲. محمد بن علی الشوکانی، نیل الاوطار فی شرح منتهی الاخبار، ج ۶، ص ۱۴۵؛

۳. استاد شهید مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۲۰۱ و ۲۰۴؛

۴. حجة الاسلام سید محمد خامنه ای، حقوق زن (مقایسه حقوق بشری و مدنی زن در اسلام و اعلامیه حقوق بشر)، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۵)، صص ۸۲ و ۸۳؛

۵. دکتر محمد عبده (بروجردی)، کلیات حقوق اسلامی، ص ۲۰۵.

\*\*\* - ر.ک.

۱. دکتر سید علی شایگان، حقوق مدنی، (تهران: انتشارات طه، چاپ اول، ۱۳۷۵) ص ۲۶۳؛

۲. حجت الاسلام سید محمد خامنه ای، منبع پیشین، ص ۸۳؛

۳. دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی، منبع پیشین، ص ۱۴۸؛

۴. دکتر سید حسین صفایی، منبع پیشین، ص ۱۴۵؛

۵. سید علی محمد بشری قمی، حقوق خانواده، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، ص ۸۵؛

۶. حجت الاسلام و المسلمین حسین حقانی زنجانی، حقوق خانواده در اسلام، قم، دارالتبلیغ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۵۰، ص ۱۵۰.

\*\*\*\* - ر.ک.

۱. عزالدین السید بحر العلوم، الزواج فی القرآن و السنه (بیروت: دارالزهراء)، چاپ هشتم، ۱۹۸۶) ص ۲۰۶؛

۲. جواهر الکلام، جلد ۳۰، ص ۱۶۶ به بعد. دکتر علی شریف، بررسی نفقه در حقوق ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات مهدی، سال ۱۳۷۴.

\*\*\*\*\* - ر.ک.

۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی العاملی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه ۱۴۱۶ هـ، ج ۸، ص ۱۶۲؛

۲. ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۰ هـ. ص ۴۷۵؛

تأثیری ندارد. زن مالک مهر یا طلبکار زوج است و باید بدون کم و کاست به وی داده شود. اما هرگاه شوهر نتواند آن را یکجا پردازد و طرفین نیز در اقساط آن تراضی نکنند راهی جز دخالت حاکم و قضاوت به حق باقی نمی ماند.

در هر حال باید توجه داشت که ظرافت حقوق و اخلاق، در روابط زن و مرد و بطور کلی خانواده، تجلی خاص خود را دارد.

سرنوشت این دو موجود کامل خلقت، گاهی در گیر و دار تعهدات و توافقات و قراردادهای چنان تغییر می کند که هیچ کدام تصور آن را نمی کرده اند. گاهی تقسیم مهر، چنان زن را در تنگنای زندگی قرار می دهد که آتش این ظلم و اجحاف تا آخر عمر بر جان و روح او سایه می افکند. امکان دارد با این اقدام بر بزرگداشت و احترام و تکریم او خدشه وارد شود، وضع اقتصادی وی دچار تزلزل گردد و پشتوانه وی از بین برود. این مطلب بدان معنا نیست که علاقه و محبت همیشه رابطه مستقیم با مادیات دارد، چون سلوک منطقی و کفایت فکری بین زن و مرد و پایبندی به اصول اخلاق و انسانی ایجاد محبت می کند نه ضرورتاً امکانات مادی.

#### ● حق مرد و زن برای طلاق

پیش از هر بحثی بر این نکته تأکید می شود که در اسلام مانند هر آیین توحیدی دیگر ازدواج برای زندگی است، ازدواج و تشکیل خانواده پیمان مقدسی است که بین زن و مرد بر اساس فطرت الهی و امر خداوند صورت می گیرد.\*

۳. محمد بن احمد بن محمد بن رشد القرطبی، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، ج ۱۲ قاهره، مکتبه الکلیات الأزهریه، چاپ اول ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۲۶؛

۴. محمد حسن النجفی، «جواهر الکلام»، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۹۸۱ م، ج ۳۱، ص ۷؛

۵. عزالدین السید علی بحر العلوم، الزواج فی القرآن و السنه، بیروت، دارالزهراء، چاپ هشتم، ۱۴۰۷ ه.ق، ص ۲۰۷؛

۶. دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، مجموعه محشی قانون مدنی، ص ۱۰۱۵؛

۷. حجت الاسلام دکتر حبیب الله طاهری، حقوق مدنی، ج سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۶۵ و ص ۱۶۳؛

۸. دکتر سیدحسن امامی، حقوق مدنی، ج ۴، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۳۷۸.

\* - در مقابل این نوع ازدواج، نکاح های ملل غیر متمدن است که می توان از آنها تحت عناوین مختلف، مثل ازدواج اشتراکی، میراثی، تولیدی روزانه، خریداری، آزمایشی، ابدی، مخلوطی، تعویضی یا قرضی، اسمی، نسیب و بالاخره ازدواج به غلبه نام دارد.

در دین اسلام ازدواج، مستحب مؤکد شناخته شده است و البته در مواردی هم واجب. در قرآن کریم می‌خوانیم: «یکی از نشانه‌های خداوند این است که از جنس شما برایتان همسر آفرید تا موجب آرامشتان باشد و بین شما الفت و مهربانی قرار داد»\*

همچنین در بعضی روایات ازدواج وسیله حفظ نصف دین و در برخی دو سوم دین بیان گردیده است. امام باقر(ع) به نقل از رسول اکرم(ص) فرموده‌اند: «هیچ بنیانی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج نزد خداوند عز و جل نیست». با ملاحظه آیات قرآن و روایات پی به اهمیت ازدواج در اسلام می‌بریم. در واقع ازدواج کردن برای پیوستن دو انسان به هم و برای تکامل یافتن است. هنگامی که دو انسان عقد ازدواج منعقد می‌کنند قصد تکامل و سعادت و آرامش یکدیگر را دارند. طلاق درست نقطه مقابل آن بوده و نتیجه آن جدایی و از هم پاشیدگی خانواده می‌باشد. در عقد دایم زن و مرد با هدف این که با هم زندگی کنند ازدواج می‌کنند نه با این هدف که روزی از هم جدا شوند. همگام با جدایی بحث از مهر و حقوق طرفین جلوه خاصی پیدا می‌کند و سایر امور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. گاهی عرصه زندگی چنان به افراد تنگ می‌شود که چاره‌ای جز طلاق باقی نمی‌ماند و ما آن را به طلاق‌های اجتناب‌ناپذیر تعبیر کرده‌ایم.

قرارداد و پیوندی مقدس با نام ازدواج شکل می‌گیرد زن و مردی زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند و شاید کودک یا کودکانی هم به این محفل اضافه شوند. گاهی بحران‌هایی دام‌نگیر این محفل کوچک می‌شود. شاید تنگ دستی شوهر، بهانه‌های زن، بداخلاقی‌ها، زد و خوردها، بی‌اعتمادی‌ها و بیش از همه بی‌مهری‌های دو طرفه گرمای این محفل را به سردی گراید و در نهایت حتی یک شعله هم باقی نماند. در این میان خانواده‌های طرفین به دو گروه تقسیم می‌شوند:

نوع اول آنهایی هستند که برای بقا و تداوم این زندگی می‌کوشند و از هیچ کمکی دریغ نمی‌کنند. شاید مدت‌ها دور هم بنشینند و جلساتی برگزار کنند تا شاید در نهایت بحران‌ها از بین برود و تلاطم دریای موج زندگی مشترک فرزندان‌شان آرام شود یا شاید هم برعکس، نتیجه‌ای نگیرند.

\* - و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه... (آیه ۲۱ سوره روم)



نوع دوم خانواده هایی هستند که به جای آن که مرهم زخم‌ها باشند بیشتر به اختلافات دامن می‌زنند و زخم‌ها عمیق‌تر و فاصله‌ها را زیادتر می‌کنند.

وقتی فاصله‌ها زیاد شد زمانی که بی مهریها عمیق گردید و آنگاه که دیگر احترامی بین زن و مرد به عنوان محرم اسرار یکدیگر باقی نماند، در این زمان تنها یک راه باقی است و آن هم یک جدایی تلخ بعد از سال‌ها زندگی که قسمتی به شادی و بخشی به غم گذشته است. در این میان ظاهراً زن و مرد رها می‌شوند و دیگر نه اسیر تلخ کامی یکدیگرند و نه اسیر آنچه سیاه بختی نام دارد؛ هر چند آنها فقط نام زن و مرد مطلقه را با نگاه منفی مردم همراه با خود دارند؛ ولی فرزندان خانواده هستند که هر روز با حسرت به روزهای گذشته و دوستان خود می‌نگرند و شاید تنها یک آرزو دارند و آن اینکه ای کاش کانون گرم و آرامش خانواده آنها پیوسته استقرار داشت. از طرفی همگام با طلاق، جنگ حقوق زن، مهر، نحله، حق الزحمه، اعسار مرد و تقسیم مهر و کشمکش‌هایی مانند آن تلخی طلاق را دو چندان می‌کند. امکان زندانی شدن شوهر نیز برای اخذ مهر مزید بر علت می‌شود\* و جنگ طرفین را شدت می‌هد.

طبیعی است که گاهی زندگی بین دو نفر چندان سخت و آشفته می‌شود که در مانی جز جدایی برای آن متصور نیست. اگر زن و مرد عاقل و عاقبت‌اندیش باشند وقوع این حالت در نهایت ندرت و کمیابی است.\*\* امکان دارد در این حالت به حکم دادگاه طلاق صورت پذیرد یا طرفین با تراضی مبادرت به چنین اقدامی کنند.\*\*\*

\* - در مورد حبس مدیون ر.ک. خمینی، امام روح الله الموسوی، تحریرالوسیله جلد ۲ ص ۴۱۶ مسئله ۵ همچنین مراجعه شود به ماده ۲ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷.

\*\* - ر.ک.

۱. پاک‌نژاد، دکتر سیدرضا، ازدواج مکتب انسان‌سازی، سه جلد در یک مجله، جلد اول، قم، نشر اخلاق، چاپ سوم، ۱۳۷۳؛

۲. ذاکری شاندیز، حجت‌الاسلام سید مجتبی، فلسفه ازدواج دایم و موقت در اسلام، انتشارات غدیر خم، چاپ اول، ۱۳۸۱؛

(۳) محقق، محمد باقر، حقوق مدنی زوجین در رمان زناشویی دایم از نظر قرآن، قم، بنیاد قرآن، چاپ سوم، ۱۳۶۰

\*\*\* - نجفی، رضا، طلاق با تراضی زوجین در حقوق ایران و فقه امامیه و عامه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۶.

### انحصاری بودن قانونی حق طلاق برای مردان

به موجب ماده ۱۱۳۳ «مرد می تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد» هیچ چیز نمی تواند جلو مرد را در طلاق دادن همسر خود بگیرد. قوانین و مقررات تا حد بسیار ناچیزی برای این اقدام شوهر مانع ایجاد کرده، مثل اخذ گواهی عدم امکان سازش از دادگاه\*، که در نهایت مانعی برای طلاق زن توسط مرد محسوب نمی شود. مرد موظف است مهر و نفقه و جهیزیه و اجرت المثل ایام زوجیت و احياناً نحله را در هنگام طلاق تادیه کند\*\* که آن هم با توجه به مالکیت زن در جهیزیه و اعسار مرد در مورد مهر و نفقه، مانع مهمی محسوب نمی شود. کلید طلاق زن کماکان در دست مرد است و زن نمی تواند مرد خود را طلاق دهد. قانون مدنی نظر اکثریت فقها را پذیرفته و نظر اقلیت با وجود تلاش های فراوانی هنوز، جایگاهی پیدا نکرده است. پذیرفتن نظر اقلیت درباره اینکه «زن بتواند هر وقت بخواهد از شوهر خود طلاق بگیرد» هیچ مشکلی در جامعه ایجاد نخواهد کرد و با شرع و عقل و منطق و اصول انسانی و اجتماعی نیز مغایرتی ندارد.

اما تا چنین قانونی توسط قانونگذار تصویب نشده، مرد می تواند هر موقع بخواهد و بدون هیچ دلیل و هیچ بهانه ای زن خود را مطلقه کند ولی زن دارای این اقتدار نیست که خود را از سلطه مرد به آسانی خلاص کند.

تعدیل مهر به سود بانوان که محل بحث این مقاله نیست امر مفیدی برای آنان است در حالی که تقسیط آن، جان بانوان را به لب می رساند. معمولاً مردانی که می خواهند زن خود را طلاق دهند برای ظلم و اجحاف بیشتر تقاضای تقسیط نیز می دهند که معمولاً با آن موافقت می شود.

### عدم حق طلاق برای زنان

زن نمی تواند از شوهر خود طلاق بگیرد. فقط در موردی که دوام زوجیت موجب

\* - ر.ک. قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱ و تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص ۱۳۵۸.

\*\* - ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق، مصوب ۱۳۷۱.

عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند؛ چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار وی میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.<sup>\*\*</sup> به همین منوال ممکن است در صورت نقض برخی از شروط قرارداد نکاح، استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه، زن به دادگاه مراجعه و تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش کند.<sup>\*\*\*</sup>

به عبارت ساده‌تر زن حق طلاق ندارد. اگر اراده طلاق کند و شرایط آن موجود بشود باز هم نمی‌تواند طلاق بگیرد و چنانچه شرایط طلاق و عدم امکان سازش هم فراهم بود باز هم تا آن را در دادگاه اثبات نکند نمی‌تواند طلاق بگیرد. به فرض که از دادگاه بدوی هم گواهی عدم امکان سازش بگیرد نمی‌تواند خود را تا قطعی شدن حکم مطلقه کند. اثبات عسر و حرج برای زوجه و احراز آن توسط دادگاه آنقدر مشکل است که گاهی این روند بیش از ده سال طول می‌کشد و زن تمام عمر مفید و طراوت زندگی خود را از دست می‌دهد.

این مقررات قانونی باعث شده تا بانوان در نهایت مجبور شوند که مهر خود را ببخشند و جان خود را آزاد کنند.

\* - ماده ۱۱۳۰ ق.م. (اصلاحی ۱۳۸۰/۸/۱۴) مقرر می‌دارد: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.»

\*\* - در ماده ۱۱۲۹ ق.م. آمده است: در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌کند. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه. و همچنین در ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۰/۱۲/۲۱ نیز مقرر گردیده از تاریخ تصویب این قانون زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر را دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مراجعه و اقامه دعوا کنند. چنانچه اختلاف فی مابین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آنطور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردد دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر اسناد رسمی طلاق حق ثبت طلاق‌هایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آنها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت از سردفتر خطاطی، سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد.

### امکان وجود حق قراردادی طلاق برای بانوان

با شرایطی که در بالا ذکر شد و امکان طلاق زن توسط مرد در هر لحظه و عدم امکان انجام طلاق با سهولت به درخواست زن، ایجاب می‌کند که بانوان جانب احتیاط را رعایت کنند تا هر موقع زندگی بر آنها مشکل گردید خود را از اجحاف و سلطه همسر نجات دهند.

در این راستا تمهیداتی اندیشیده شده است. گاهی مرد به زن وکالت در طلاق می‌دهد و زن خوشحال است به اینکه هر موقع خواست می‌تواند خود را طلاق دهد. غافل از اینکه مرد می‌تواند وی را عزل کند و در ثانی خود زن نمی‌تواند علیه موکلش اقدام کند و به محض اینکه کوچکترین اقدامی برای طلاق کند معزول محسوب می‌شود. پس چاره در این است که زن علاوه بر وکالت، وکالت در توکیل، نیز داشته باشد تا وکیل وی بتواند علیه شوهر اقدام کند این وکالت ممکن است قبل، همزمان و یا بعد از عقد ازدواج داده شود.

بهترین شیوه برای رفع این مشکل، اخذ وکالت ضمن عقد نکاح یا عقد خارج لازم دیگری است تا زن و مرد، تا تصویب قانون احتمالی جدید، در یک ردیف قرار گیرند.\* البته عدم حق طلاق برای زن در قانون مدنی از قواعد آمره نیست که نتوان خلاف آن را با توافق مقرر داشت.

#### ● مشکلات تقسیم مهر پس از طلاق

هر چند امکان دارد نهاد مهر جنبه تضمینی و مالی در ازدواج داشته باشد و آن را از هبه و هدیه جدا کند ولی ماهیت اخلاقی ازدواج را نباید با اقتصادی کردن و مالی بودن آن تنزل داد. به هر حال یکی از جنبه‌های تضمینی و نقاط اتکای مالی زن، مهر اوست که در موقع خطر می‌تواند عامل امنیت مالی و رفاهی زن باشد و زندگی وی را تأمین کند.

\* - در سه مورد اختلاف خانوادگی که زوجه مهریه خود را به اجرا گذارده بود به زوج پیشنهاد تفویض وکالت در طلاق برای زوجه شده که مؤثر بوده است. دو مورد نیز با قاضی محکمه هماهنگ شده که قاضی محترم در ضمن رسیدگی به درخواست تقسیم چنین پیشنهادی را به طرفین ارایه کرد که مورد موافقت قرار گرفت. هر چند ممکن است این بحث از مسأله «تقسیم مهریه» خارج باشد اما عملاً و به صورت کدخدامنشی می‌تواند در حل اختلاف راهگشا باشد. (گیتی رنجبران)

تکلیف مرد به پرداخت مهر جنبه قانونی دارد.\* هر چند این جنبه مهر می تواند سمبلیک باشد، مانند این که کسی مهر همسر خود را یک شاخه نبات قرار دهد.

مهرهای عندالاستطاعه مشکلی برای مرد ایجاد نمی کند ولی امکان دارد مهرهای عندالمطالبه مردی را، که نتوانسته اعسار خود را ثابت کند، به زندان بفرستد.\*\* در این صورت هر چند فاتحه زندگی مشترک خوانده می شود ولی زندگی تلخ در زندان آغاز می گردد و باعث سختی های بسیار زیاد دیگری خواهد شد.

### حق زوجه در هنگام طلاق و پس از آن

به مجرد عقد زوجه از زوج طلبکار در عین معین می شود. به محض عقد، زن مالک مهر می شود پس علی الاصول مطالبه مهر به طلاق ارتباطی ندارد ولی بانوان معمولاً در هنگام طلاق به این اهرم اقتصادی متوسل می شوند. ناتوانی مرد و اعسار او در پرداخت بیشتر اوقات سبب بروز مشکلات و تقسیم مهر می شود.

البته به موجب «ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱» برای انجام طلاق شرایطی لازم است:

---

\* - ر.ک. کاتوزیان، دکتر ناصر، «حقوق خانواده» جلد ۲، تهران، شرکت انتشارات برنا، چاپ سوم ۱۳۷۱، ص ۱۳۹.

\*\* - ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی (مصوب ۱۰ آبان ۱۳۷۷) چنین بیان می دارد: «هر کس محکوم، به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تأدیه ننماید دادگاه او را الزام به تأدیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می کند و در غیر اینصورت بنابه تقاضای محکوم له، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تأدیه حبس خواهد کرد».

در مواد ۱۰ و ۱۱ «شیوه نامه اجرایی نحوه ارشاد و رسیدگی به پرونده های مطالبه مهریه و اعسار» مصوب ۱۳۸۵/۹/۹ رییس قوه قضاییه (که در روزنامه رسمی ۸۵/۹/۲۰ به چاپ رسیده است) نیز چنین می خوانیم:

ماده ۱۰ - با توجه به ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی بعد از قطعیت حکم دادگاه پس از صدور اجراییه و ابلاغ آن، در صورتی که محکوم علیه، مالی برای اجرای حکم معرفی نکند، ابتدا بایستی جهت احراز عدم وجود اموال قابل توقیف متعلق به محکوم علیه، از طریق مقتضی و با اطلاع محکوم له تحقق کند. پس از عدم شناسایی اموال با تقاضای محکوم له، اقدام به حبس محکوم علیه کند.

ماده ۱۱ - در صورتی که محکوم علیه، بابت بدهکاری مهریه در اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، در حبس باشد، بلافاصله پس از صدور حکم تقسیم یا اعسار آزاد می شود.

به موجب تبصره ۳ این ماده واحده «اجرای صیغه طلاق و ثبت آن در دفتر، موکول به تأدیه حقوق شرعی و قانونی زوجه (اعم از مهر، نفقه، جهیزیه و غیر آن) به صورت نقد می‌باشد مگر در طلاق خلع یا مبارات (در حد آنچه بذل شده) و یا رضایت زوجه و یا صدور حکم قطعی اعسار شوهر از پرداخت حقوق فوق‌الذکر».

به موجب تبصره ۴ همین ماده واحده «در طلاق رجعی گواهی کتبی اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده الزامی است. و در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال و در صورت عدم رجوع در مهلت مقرر، صورتجلسه طلاق تکمیل و ثبت میگردد، صورتجلسه تکمیلی طلاق با امضای زوجین، حکمین و عدلین، سردفتر و مهر دفترخانه معتبر است». چنانچه مرد عدواناً زن خود را طلاق دهد قانون تا حدودی از حقوق زن حمایت می‌کند و حق الزحمه مدت ازدواج و نحله را ملحوظ نظر قرار می‌دهد.

به موجب تبصره ۶ این ماده واحده «پس از طلاق در صورت درخواست زوجه مبنی بر مطالبه حق الزحمه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده است، دادگاه بدو از طریق تصالح نسبت به تأمین خواسته زوجه اقدام می‌کند. و در صورت عدم امکان تصالح، چنانچه ضمن عقد یا عقد خارج لازم، در خصوص امور مالی، شرطی شده باشد طبق این عمل می‌شود، در غیر این صورت، هرگاه طلاق بنا به درخواست زوجه نباشد، و نیز تقاضای طلاق ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوءاخلاق و رفتار وی نباشد، به ترتیب زیر عمل می‌شود:

الف) چنانچه زوجه کارهایی که شرعاً به عهده وی نبوده، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود، دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌کند.

ب) در غیر مورد بند «الف»، با توجه به سنوات زندگی مشترک و نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسیع مالی زوج، دادگاه مبلغی را از باب بخشش «نحله» برای زوجه تعیین می‌کند».

### اعسار و مشکلات در پرداخت مهر

در هنگام طلاق مردان به دو دلیل به اعسار متوسل می‌شوند:  
الف) واقعاً معسرند و وجه یا مالی برای پرداخت بدهی خود ندارند.

ب) معسر نیستند لیکن تظاهر به اعسار می‌کنند و اموال خود را به نام دیگران می‌کنند. هر چند فروش اموال برای فرار از دین جرم است و مجازات دارد.\*  
مردانی که معسر نیستند به سادگی با آوردن چند شاهد می‌توانند اعسار خود را اثبات و از پرداخت یکجای مهر فرار کنند. در موارد تردید و عدم یقین قاضی مبنی بر اعسار واقعی زوج، بهتر است اقساط با روش قابل قبولی تقسیم شود تا ستمی در حق زوجه روا نشود این موضوع ما را به بحث قسط‌بندی‌های ناروای مهر می‌رساند.

### قسط‌بندی‌های ناروای مهر

#### امکان تقسیم مهر

به موجب ماده ۲۷۷ قانون مدنی، زوج نمی‌تواند زوجه را مجبور به قبول قسمتی از مهر کند، ولی قاضی دادگاه می‌تواند نظر به وضعیت زوج مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.\*\*

ماده ۳۷ قانون اعسار (مصوب ۲۰ آذر ۱۳۱۳) نیز چنین بیان می‌دارد:  
«اشخاصی که دارایی نداشته و یا دارایی آنها کافی برای تأدیه تمام بدهی نباشد ولی با عایدات شغل و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدهی خود را بپردازند، محکمه (در مورد محکوم به) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم‌الاجرا) با در نظر گرفتن مبلغ بدهی و عایدات بدهکار و معیشت ضروری او میزان و مدت و عده اقساطی را که باید داده شود، تعیین خواهد کرد.»

\* - ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و ماده ۲۱۸ قانون مدنی. رأی وحدت رویه شماره ۲۹۴ مورخ ۱۳۳۸/۱۰/۲۵ نیز ملاحظه شود.

\*\* - در مواد ۷ و ۸ «شیوه نامه اجرایی نحوه ارشاد و رسیدگی به پرونده‌های مطالبه مهریه و اعسار» (روزنامه رسمی شماره ۱۷۹۹۹ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۰) می‌خوانیم:

ماده ۷- وقت رسیدگی به ادعای اعسار و تقسیم پرداخت مهریه، به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت و حداکثر با تعیین وقت ده روزه می‌باشد.

ماده ۸- در صورت عدم حصول صلح و سازش، چنانچه زوج، دین را قبول کرده لیکن تقاضای مهلت برای پرداخت یا تقسیم و ادعای اعسار داشته باشد، با استناد به رأی وحدت رویه شماره ۶۲۲ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۹ هیأت عمومی دیوانعالی کشور این درخواست در همان دعوی اصلی قابل استماع بوده و دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور حکم می‌باشد.

گاهی واقعاً زوج در موقعیتی است که نمی‌تواند همه مهر به ویژه مهرهای سنگین را به یکبار پرداخت کند دخالت قاضی در تقسیط این نوع بدهی مورد انتقاد نیست. بلکه نحوه دخالت و عدم دقت در تقسیط و قسط‌بندی‌های غیر عادلانه مورد اعتراض است. به عنوان مثال، در پرونده کلاسه ۷۸۱۷۵۷/۱۷۰۲ دادگاه خانواده تهران، مهر ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی خانم... به نحوی تقسیط شده که فقط هر ماه وجه یک وعده غذا به وی تعلق می‌گیرد. از این نمونه‌ها فراوان است. در پرونده کلاسه ۵۹۴۰/۸۴ ح دادگاه عمومی بندرعباس مهر خانم... از طریق پرداخت ماهانه یک سکه تقسیط شده که بالاخره دادگاه تجدیدنظر در پرونده کلاسه ۷۵/۴/۸۵ ت آن را با تلاش و پیگیری و وساطت چند قاضی دیگر افزایش می‌دهد.

عنوان شده است: در تقسیط بدهی مدیون، لازم نیست دادخواست اعسار داده شود و تشریفات رسیدگی رعایت گردد زیرا احتمال دارد مدیون معسر نباشد و ضرورت‌های دیگر دادن مهلت عادلانه یا قرار اقساط را ایجاد کند. ولی کسی که نمی‌تواند دین خود را بپردازد از دو حالت خارج نیست، یا امکان مالی و اموال ندارد و یا دسترسی به اموال خود ندارد که هر دو آن جز ناتوانی از پرداخت دین که همان اعسار است معنایی ندارد. بنابراین قاضی نمی‌تواند جز در موارد خاص\* بدون صدور حکم اعسار مهلت اضافی داده یا قسط‌بندی کند. گاهی تقسیط بدون رضایت زوجه تخلف انتظامی محسوب می‌شود. به رأی شعبه دوم دادگاه عالی انتظامی قضات در دادنامه ۶۵ مورخ ۱۳۷۵/۵/۷ توجه کنید: «با عنایت به رأی وحدت رویه ۱۲ ردیف ۵۹/۹ مورخ ۱۳۶۰/۳/۱۶ هیأت عمومی دیوانعالی کشور و ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی و ماده ۳ لایحه قانون دادگاه مدنی خاص و مواد ۲۱ تا ۲۶ و ۱۳۴، ۱۴۶، ۱۴۷ و ۱۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی و سؤال ۵ تا ۸ صفحه ۴۱۶ و ۴۱۷ جلد ۲ تحریرالوسیله و ماده ۲۰ تا ۳۷ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰، رییس دادگاه مدنی خاص در ورود به موضوع خارج از صلاحیت محلی و نسبی و در تجدید جلسات بدون ذکر علت و عدم امضای ذیل صورتجلسات و در قید قطعیت دادنامه با وجود قابلیت تجدیدنظر و در تقسیط مهر با عدم رضایت زوجه و

\* - رک. ماده ۳۰۳ قانون مجازات اسلامی که در موارد قتل‌های شبه عمد دادگاه می‌تواند بدون دادخواست اعسار و فقط با درخواست محکوم علیه مهلت لازم را به وی بدهد.



خارج از شرط عقدنامه، مرتکب تخلفات عدیده شده است».\*  
ملاحظه می شود که قسطبندی مهر بدون رضایت زوجه (با وصف عدم اثبات اعسار)  
تخلف انتظامی شمرده می شود.\*\*

#### الف) تقسیمت مهر پیش از مطالبه زوجه

اول: در بدو امر لازم به ذکر است که در نشست های قضایی امکان تقسیمت مهر قبل از مطالبه زوجه مورد بررسی قرار گرفته است. چنانچه زوج بدون اینکه زوج مهر خود را از او مطالبه کرده باشد به دادگاه مراجعه و تقاضا کند که با توجه به تورم و اوضاع و احوال زندگی حکم به تقسیمت پرداخت مهر صادر کرده تا ذمه وی خالی از دین شود تکلیف در این مورد چه می باشد؟ اثر مهم وضعی این دادخواست البته به جلوگیری از ازدیاد مهر نقدی ناشی از شاخص بانک مرکزی برمی گردد. در پاسخ به این بحث مواد ۲۷۳، ۲۷۷، ۱۰۸۲ و ۱۰۸۳ قانون مدنی نیز مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است.\*\*\*

۱. نظر اکثريت:

(دادگاه با پذیرش دادخواست در صورت لزوم حکم بر تقسیمت مهر صادر می کند)  
از آنجا که اصل بر پذیرش دعاوی است و تا زمانی که منع قانونی نباشد دادگاه مکلف به پذیرش دادخواست تقسیمت مهر می باشد و از طرفی برابر ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی زوجه به مجرد عقد، مالک مهر می شود و در نتیجه شوهر مشغول الذمه می گردد لذا موضوع دادخواست مشمول حکم کلی ماده ۲۷۷ قانون مدنی خواهد بود که بیان کرده

\* - کریم زاده، «نظارت انتظامی در نظام قضایی»، مؤسسه انتشاراتی آیدا، چاپ و انتشارات محمد امین، ۱۳۷۶، ص ۱۱۵.

\*\* - علیرغم حکم انتظامی فوق، در رویه جاری محاکم غالباً درخواست های تقسیمت پذیرفته می شوند، هر چند محکمه موظف است در صورت درخواست مدیون و احراز اعسار وی، حکم به اعسار وی را در زمان مشخص صادر کند. این روش در حال حاضر بدین صورت است که دادگاه به اقساط مساوی و بدون در نظر گرفتن وضعیت معیشتی زوج در آینده مهریه را تقسیمت می کند و تنها مدتی را که دادگاه لحاظ می کند مدت برای پرداختن اقساط است ولی برای دوره اعسار مدت در نظر گرفته نمی شود. مثلاً در موردی مدیون در امری سرمایه گذاری کرده که نتیجه اش در آینده به سود وی می باشد اما از آنجایی که عملاً اعسار محدود به زمان نیست این امر باعث تضییع حقوق زوجه می گردد. (گیتی رنجبران)

\*\*\* - ر.ک. مجموعه نشست های قضایی (۷)، معاونت آموزش و تحقیقات فوه قضاییه، دفتر بررسی و تهیه و تدوین کتون آموزشی، شماره ۱۳۷ ص ۲۰۹، چاپ اول قم، ۱۳۸۲.

است نمی‌توان متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از تعهد کرد ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت یا قرار اقساط دهد و چنانچه دادگاه با بررسی جامع احراز کند که زوج توانایی پرداخت دین خود به طور یکجا ندارد و حتی در مهلت مناسب این امکان برای او فراهم نخواهد شد، طبق قرار اقساط و با در نظر گرفتن سایر مقررات موضوعه، از جمله ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی حکم به پرداخت مهر خواهد داد.

۲. نظر اقلیت:

(مادامی که متعهدله، مطالبه تعهد را نکرده دادگاه نمی‌تواند به نفع یا ضرر او اتخاذ تصمیم کند)

اصل بر آن است که زوج باید طبق تعهد و شرط ضمن عقد عندالمطالبه دین خود را بپردازد و عرفاً این تعهد ضمن عقد نیز از تعهدات مدت‌دار تلقی می‌گردد و از طرفی پرداخت اقساطی مهر بدون مطالبه زوجه در موردی که مهر وجه نقد باشد می‌تواند به لحاظ ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی و تأثیر شاخص‌های بانک مرکزی به ضرر زوجه باشد و زوجه خود می‌تواند به اراده خود صبر کند تا در زمان مناسب به طور یکجا و با در نظر گرفتن شاخص (در مورد وجه نقد) مهر خود را دریافت کند بدین جهات دادگاه نمی‌تواند مادامی که متعهدله مطالبه تعهد را نکرده است در اجرای ماده ۲۷۷ قانون مدنی به ضرر متعهدله تصمیمی اتخاذ کند.

البته اگر مرد یکجا مهر را بپردازد وفق ماده ۲۷۳ قانون مدنی عمل می‌شود و متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قایم‌مقام او بری می‌شود و از تاریخ این اقدام مسؤول خسارتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود. اما به هر حال، در مورد تقسیط نظریه اقلیت صائب به نظر می‌رسد.

تا اینجا به نظر می‌رسد دادگاه نمی‌تواند بدون صدور حکم اعسار، بدهی یا مهر را تقسیط کند. به این مسأله نیز باید توجه کرد که در چه مواردی زوج می‌تواند تقاضای تقسیط کند.

دوم: صرف نظر از استدلال‌های قضات در نشست‌های قضایی آیا راه دیگری برای زوج وجود دارد تا قبل از مطالبه مهر آن را تقسیط کند؟ به عبارت دیگر آیا زوج می‌تواند قبل از اینکه زوجه درخواست مهر کند، به دادگاه مراجعه کرده و تقاضای تقسیط مهر

کند؟\* برای پاسخ به این سؤال، باید پرسش مقدماتی دیگری را پاسخ گفت و آن اینکه آیا شخص می‌تواند به دادگاه دادخواست اعسار خود را در مقابل کل یا بخشی از طلب دیگران بدهد. شاید بتوان در جهت چنین اقدامی استدلال کرد و از مواد قانونی نیز برای مجوز چنین اقدامی دلیل آورد. ولی تجربه نشان داده است دادگاه‌ها از صدور حکم به سود چنین درخواست‌هایی به این دلیل که زمان طلب فراتر رسیده و داین طلب خود را مطالبه نکرده و بار تعهدی برعهده مدیون سنگینی نمی‌کند، خود را مکلف به صدور حکم اعسار نمی‌بینند. البته همانطور که عنوان گردید زوج می‌تواند همه مهر را با رعایت شاخص تورم یکجا پردازد و چنانچه زوجه از دریافت آن خودداری کرد، زوج می‌تواند آن را به صندوق دادگستری پرداخته و مراتب را به اطلاع زوجه برساند و از مسؤولیت مبری گردد\*\* اما این موضوع با تقسیمت مهر توسط دادگاه کاملاً تفاوت دارد.

تقاضای اعسار قبل از مطالبه طلب توسط طلبکار، در دادگستری سابقه زیادی ندارد. در دادگاه‌ها معمولاً دو نوع اعسار مطرح می‌شود:

الف: اعسار از هزینه دادرسی

ب: اعسار از محکوم به\*\*\*

نوع سوم اعسار یعنی اعسار از دیون که به طور نادر اتفاق می‌افتد در اینجا محل بحث

است.\*\*\*\*

در این خصوص می‌توان استدلال کرد که دادگاه‌ها حسب ماده ۳ ق.آ.د.م. موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت کنند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در

\* - در حال حاضر رویه واحدی در محاکم راجع به پذیرش درخواست تقسیمت وجود ندارد. مشاهده شده که به محض مطالبه مهریه از ناحیه زوجه، دادگاه با پذیرش تقاضای تقسیمت زوج به استناد ماده ۲۷۷ و بدون ورود به مسأله اعسار و احراز آن، حکم به تقسیمت مهریه داده است. در مقابل شعب مختلفی نیز وجود دارند که استدلال می‌کنند چون مهریه عندالمطالبه می‌باشد، بدواً زوجه باید آن را مطالبه کند و حکم صادره قطعی شود تا دین مزبور بر ذمه زوج مستقر شود، سپس زوج تقاضای اعسار کند. (گیتی رنجبران)

\*\*\* - ماده ۲۷۳ قانون مدنی را ملاحظه فرمایید.

\*\*\*\* - ماده ۲۰ قانون اعسار سال ۱۳۱۳.

\*\*\*\*\* - ر.ک. ماده یک قانون اعسار سال ۱۳۱۳.

قضیه مطروحه وجود نداشته باشد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر کنند و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزند.

بنابراین، ظاهراً مجوز رسیدگی به این گونه دعاوی وجود دارد. قانون اعسار ۱۳۱۰ معسر را این گونه تعریف می‌کرد:

ماده ۱: «معسر کسی است که به واسطه عدم دسترسی به اموال و دارایی خود موقتاً قادر به تأدیه مخارج عدلیه (هزینه دادرسی) یا محکوم به نباشد این ماده فقط دو نوع اول اعسار را ذکر می‌کرد که در سال ۱۳۱۳ نسخ شده است و به جای آن معسر در قانون مذکور چنین تعریف شده است.

ماده ۱: «معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تأدیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد».

قانونگذار به جای کلمه «محکوم به» واژه دیون را به کار برده است و دین اعم از دینی می‌باشد که توسط دادگاه مورد حکم واقع شده است (محکوم به) یا دینی که خواهان مقرر به آن است. اعم از اینکه این دین حال باشد یا مؤجل.

آنچه ماده اول قانون ۱۳۱۳ اعسار را تقویت می‌کند ماده ۲۳ همان قانون است که مقرر می‌دارد:

«مدعی اعسار باید شهادت کتبی لااقل چهار نفر... در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسایل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکوم به یا دین با تعیین مبلغ آن تصریح شود.»

محکوم به یک نوع دین است چرا مجدداً قانونگذار واژه دین را بعد از آن به کار برده است؟ موضوع روشن است چون دین مذکور در این ماده همان دین در نوع سوم اعسار است یعنی اعسار از دیون بجز محکوم به. البته تا کسی ادعای طلب نکند یا در دادگاه مدیون را طرف دعوی قرار ندهد معمولاً کسی به دادگاه جهت احراز اعسار خود مراجعه نمی‌کند و قانون موارد نادر را تشریح نمی‌کند بلکه به طور اجمال مطرح می‌کند تا دست قاضی محترم را در صدور حکم باز گذارد.

چراگاهی خواهان اعسار ادعای اعسار خود را به طور غیر معمول و غیر مرسوم می‌کند؟ آیا این امر قانونی است؟

الف) ممکن است برای مدت زیادی هیچ کدام از طلبکاران اقدامی در جهت وصول طلب خود از طریق محکومیت مدیون به پرداخت دین نکنند.

ب) امکان دارد اغلب قریب به اتفاق خواندگان بگویند ما از مدیون شاکی نیستیم. در حالی که آنها نمی‌دانند که در اینجا بحث از شکایت کیفری مطرح نیست بلکه مدیون می‌خواهد ثابت کند و اقرار کند که به برخی افراد بدهکار است و از برخی اشخاص حقوقی هم طلبکار، اگر طلبکاران می‌خواهند خودشان به دنبال کار بروند، بفرمایند طلب خود را اخذ کنند و چنانچه می‌خواهند خودشان به دنبال کار بروند، بفرمایند طلب خود را اخذ کنند و چنانچه می‌خواهند خواهان وصول طلب را تعقیب کند او نیز در حال حاضر در صدد انجام چنین کاری در حد وسع خود می‌باشد. هدف از کسب حکم در مورد اعسار از دین، اخطار به طلبکاران است که با پیگیری طلب خود اجازه ندهند، در صورت عدم توانایی مدیون به انجام اقدامی به نفع مشارالیه، ضرر بیشتری به آنها وارد شود.

اما در مورد قانونی بودن چنین درخواستی باید اضافه کرد که قانون، اعسار از دین را به رسمیت شناخته و در موارد مختلف آن را طرح کرده است. آثار و قواعد آن را باید از قوانین و مقررات فقهی استنباط کرد. در فقه «اعسار از دین» به عنوان «افلاس» شناخته شده است و مقرراتی برای آن وضع گردیده است.

با توجه به آنچه گفته شد، در صورت صحت استدلال فوق، دادگاه با توجه به اصول اسلامی می‌تواند در صورت درخواست مدیون حکم به اعسار وی را در زمان مشخصی صادر کند. اما با توجه به حکم دادگاه انتظامی قضات، حفظ حقوق داین و اینکه چنانچه بعداً شخصی علیه مدیون حکم را از دادگاه اخذ کند، مدیون باید در این زمان (زمان پرداخت دین) نیز اعسار خود را ثابت کند، صدور حکم اعسار برای پرداخت دین، نه منظورهای فنی دیگر، قبل از درخواست طلبکار کاربرد عملی ندارد.

حال در مواردی که پرداخت بخشی از طلب کاربرد عملی دارد و زوج حاضر است با اثبات اعسار نسبی خود در پرداخت به یکباره مهر، مقداری از طلب زوجه را بپردازد،

چگونه می‌توان بین نظرات مختلف قضات و استدلال‌های موجود در حقوق اسلامی به حل مسأله همت گماشت؟

اگر قایل شویم که دادگاه حق دارد قبل از تقاضای مهر توسط زوجه آن را تقسیط کرده و زوج می‌تواند شروع به پرداخت اقساط کند این اقدام به ضرر زوجه است. اما در جمع دو نظر اقلیت و اکثریت و با توجه به احکام اعسار از دین (اعسار نوع سوم) شاید بتوان گفت که مجوز پرداخت به اقساط وجود داشته باشد ولی ملاک هر قسط با شاخص زمانی باشد که زوج آن قسط را پرداخت می‌کند. مثلاً اگر مهر بانویی ده میلیون تومان باشد و مرد بخواهد در ده قسط مساوی سالانه تأدیه کند، قسط اول را باید با شاخص همان سال تأدیه و اقساط بعد را با شاخص سال‌های بعد پرداخت کند. با این شیوه احتمالاً امکان رعایت عدالت بین صاحبان حق وجود خواهد داشت.

#### ب) تقاضای قسط‌بندی مهر پس از مطالبه زوجه

عنوان گردید که قسط‌بندی مهر پس از صدور حکم اعسار ممکن است. هنگامی که زوجه تقاضای پرداخت مهر خود را می‌کند و زوج از پرداخت یکجای آن ناتوان است می‌تواند تقاضای صدور حکم اعسار کند. اعسار یک امر مقطعی است که امکان دارد مداوم و مستمر نباشد. هنگامی که دادگاه حکم اعسار زوج را صادر می‌کند بدین معنی است که زوج اصلاً توانایی پرداخت مهر در حال حاضر را نداشته یا توانایی پرداخت همه آن را ندارد اما می‌تواند به تدریج آن را پرداخت کند. در صورتی که زوج از نظر مالی توانمند شود و طلبکار آن را برای دادگاه ثابت کند، حکم اعسار منتفی خواهد شد. در اصل این حق که زوج می‌تواند تقاضای صدور حکم اعسار کند در بین حقوق‌دانان تردیدی نیست لیکن نگرانی آنها در نحوه پذیرش اعسار است که ما را به بررسی این گونه موارد در بندهای دیگر راهنمایی می‌کند.

#### ● وابستگی عملی قضات حقوق‌دان و عالم به شهادت شهود و ضابطین

هنگامی که دادگاه در صدد کسب اطلاع از وضع اقتصادی افراد است در شهرستان‌های کوچک (برخلاف شهرهای بزرگ که به شهادت شهود اکتفا می‌شود) معمولاً به ضابطین خود دستور می‌دهد که در مورد موضوع تحقیق و نتیجه را گزارش کنند. مأمور که معمولاً از نیروی انتظامی بوده و تحصیلات حقوقی ندارد به محل مراجعه

می‌کند و بدون اینکه متوجه شود با صحنه از پیش ساخته شده مواجه می‌گردد و همان موضوع را گزارش می‌کند. برای مثال، قاضی به ضابطین دستور می‌دهد که در مورد ملائت (توانمندی) زوج تحقیق کنند مأمور به محل مراجعه می‌کند و وضع موجود ساختگی مبنی بر فقر شدید زوج را گزارش می‌کند. شهود نیز در دادگاه به علل مختلف از جمله عدم آگاهی، بر بی‌بضاعتی زوج شهادت می‌دهند. قاضی چاره‌ای جز پذیرش شهادت شهود و گزارش ضابطین نمی‌یابد و حکم به اعسار زوج می‌دهد. نگرانی و دغدغه‌های زوج با این حکم به اوج می‌رسد که گاهی مشکلات و عواقب نامطلوبی را به دنبال دارد.

### پیشنهادات برای رفع معضلات تقسیم مهر

قبل از بیان هر مطلبی بیان دو نکته ضروری است اول اینکه اگر در واقع زوج معسر بوده و امکان کارکردن نیز نداشته باشد و شغلی هم برای وی یافت نشود که بتواند علاوه بر هزینه خود، مقداری هم از باب مهریه بردارد، نمی‌توان او را که به تمام معنا معسر است، مجبور به پرداخت وجوهی کرد. لذا تا هنگامی که این وضع وجود دارد و خود زوج هم از تلاش برای پیدا کردن شغل مناسب سر باز نمی‌زند، بحث از احسان و تقسیم مهر مطرح نمی‌شود، لیکن به محض اینکه روال درآمد زوج برقرار و درآمدی کسب گردید، پیشنهادات مربوط به تقسیم قابل اجرا خواهد بود.

دوم اینکه با وضع قوانین و مقررات و تعیین حداکثر مهر برای زنان نمی‌توان مردم را از درج مهر موردنظر خود در عقدنامه محروم کرد، مگر اینکه برای مبلغ بیش از یک سطح معین مالیات کلانی وضع شود که خوف از مالیات نقش بازدارندگی خود را بازی کند. سیاست قضایی عدم پذیرش دادخواست‌های بالاتر از مبلغ معین یا عدم صدور رأی برای مبالغ بالاتر از شیوه معمول و آداب مرسوم نیز می‌تواند در تعدیل مهرهای رقابتی کارساز باشد.

لیکن، تا زمانی که تدبیر قضایی حاکم بر روابط مردم نباشد و چاره‌ای جز پذیرش توافق زوجین وجود نداشته باشد و حتی در زمانی که امکان تعدیل مهرهای رقابتی وجود دارد، باز هم بحث از رفع مشکلات تقسیم مهریه مطرح خواهد بود.

از آنجا که گاهی زوج معسر است و دادگاه چاره‌ای جز تقسیط مهر نمی‌بیند، باید در تقسیط مهر وضعیت دو طرف را در نظر داشت. اقساط کم که پس از مدتی به علت تورم، ارزش خود را از دست می‌دهند، مشکلی را حل نمی‌کنند بلکه دردی بر دردهای بانوی مطلقه می‌افزاید.

نحوه تقسیط و تعداد اقساط و اندازه هر قسط در قانون در اختیار قضات گرامی قرار داده شده است. آنها می‌توانند با توجه به شرایط موجود به نحوی عمل کنند که به عدالت نزدیک‌تر است.

قضات شریف باید پیش از تقسیط دقت کنند که گزارش ضابطین مقرون به واقعیت و صحت باشد. به سختی می‌توان فرزند خلف ثروتمندی که همه مواهب زندگی از خانه و ماشین و باغ و امکانات و کار را در اختیار دارد معسر خواند. صاحبان مشاغل و حرفه‌های پول‌آفرین را نمی‌توان به آسانی معسر قلمداد کرد. صرف نظر از مهرهای کلان که برای چشم و هم‌چشمی و تفاخر است حال و وضع بانوی درخواست‌کننده مهر را نیز باید در نظر گرفت.

هر چند امکان ندارد افراد را برخلاف خواستشان مجبور به تعیین و وضع مهرهای متناسب و متعادل کرد ولی می‌توان با قانونگزاری آن را در اجرا تعدیل کرد. دادگاه‌ها نیز می‌توانند با احکام شایسته خود از دردهای جامعه و صدمه بیشتر به بانوان مطلقه بکاهند.

هنگامی که مرد، بدون دلیل موجه همسر خود را طلاق می‌دهد و برای همه یا نیمی از مهر، حسب انجام زفاف و عروسی یا عدم آن، کار به تقسیط مهر کشیده می‌شود رعایت احسان، عدل و انصاف ضرورت دارد. عدالت ایجاب می‌کند:

۱. مقداری از مهر که متناسب با شأن بانوی مطلقه و حداکثر توان زوج است به صورت نقد پرداخت شود، هر چند زوج در تهیه این مقدار به سختی و مشکل افتد. در مورد مهرهای کم بهتر است دادرس در پذیرش اجرت کارهای انجام شده توسط زوج و همچنین نحله سعه صدر بیشتری به خرج دهد.

۲. پیشنهاد می‌شود که حداقل این پرداخت در یک سال اول دو خون‌بهای کامل یک زن باشد و چنانچه کل مهر قابل مطالبه از آن دو دیه کمتر باشد به نسبت مقدار همه آن در



طول ماه‌های سال اول پرداخت شود. علت این پیشنهاد آن است که طلاق زن بدون دلیل موجه اخلاقی و رضایت زن کمتر از قتل وی نیست و زن و مرد نیز باید برابر باشند، مضافاً اینکه، در جامعه امروزی، آبروی وی نیز به عنوان بانوی مطلقه خدشه‌دار شده است و برای این دو مورد دو خون‌بهای کامل یک زن، حداقل جبران خسارت وی می‌باشد.

۳. اگر دلیل موجهی برای طلاق وجود نداشته باشد و با وجود تمایل زن به زندگی با شوهر، مرد مبادرت به طلاق کند آن مقدار از مابقی مهر که در جامعه برای زنان هم‌شأن بانوی مطلقه متعادل و متعارف است، ظرف مدت دو الی سه سال حسب مورد پرداخت شود.\*

۴. در موارد بالا چنانچه مهر بانوی مطلقه کلان و گزاف باشد، در دین بودن مهرهایی که از باب تفاخر و چشم و هم‌چشمی نیست، نباید تردید روا کرد. ولی تقسیم مهر باید به گونه‌ای باشد که گذشت زمان از ارزش آن نکاهد. مثلاً در سال اول هر مامه مبلغ معینی پرداخت شود و در سال دوم هر ۲۵ روز همان مبلغ و در سال سوم هر ۲۰ روز و در سال چهارم هر ۱۵ روز و در سال پنجم هر ۱۰ روز و در سال ششم هر ۵ روز و در سال هفتم هر روز آن مبلغ پرداخت شود تا بانوی مطلقه در مهلت مناسب بتواند به حق خود برسد. یا امکان دارد در حکم به ازای هر سال درصدی به اقساط مهر اضافه شود. مثل اینکه در سال اول هر ماه مقدار معینی (مساوی یا نامساوی) پرداخت شود و هر سال ۲۰٪ به هر قسط ماهانه اضافه گردد. این امر به تنجیز حکم خدشه وارد نمی‌آورد زیرا قابل تعیین است.

۵. در مهرهای رقابتی و چشم و هم‌چشمی، پس از رعایت موارد بالا و با مراعات تورم سالانه یا درصدی بالاتر از آن بقیه مهر قسط بندی گردد تا در حد تمام طول عمر بانوی مطلقه اقساط پرداخت گردد، به شیوه‌ای که زمان پرداخت مبالغی را که خارج از قصد و اراده طرفین بوده فرا نرسد. مثلاً پرداخت در مدت دو‌یست سال به شرط زنده بودن زوجه. به عبارت دیگر اقساط فقط در زمان حیات زوجه پرداخت می‌شود، نه پس

\* - این پیشنهاد با ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی نیز هماهنگی دارد. تعهدات قراردادی نیز باید مثل تعهدات قانونی اجرا شود.

از آن.

۶. هر چند هم‌اکنون، جز در موارد نادر زن حق مراجعه به دادگاه و طلاق خود را ندارد ولی به نظر ما زن باید همانند مرد حق طلاق داشته باشد در این صورت، هیچ چیز کم یا زیاد نمی‌شود و هیچ رکنی از جامعه به هم نمی‌ریزد. زندگی با عشق و علاقه جز حیات انسان است و زندگی جبری در سختی و مشقت چیزی جز مرگ تدریجی نمی‌باشد. اگر زن به خاطر سختی و مشقت، خود بخواهد از شوهر جدا شود باید باز هم با توافق و یا از روی احسان مبلغی به زن پرداخت شود. در داوری تعیین این مبلغ باید شئون زن و مرد را در نظر گرفت. زن و مرد هر کدام یک داور انتخاب کنند و هر دو داور هم شخصی ثالث را انتخاب کنند و نظر هیأت داوران در مورد این مبلغ قطعی باشد. این داوری تنها برای تعیین مبلغ قابل پرداخت مهر است و با حکمین برای صلح که در شرع مقرر گردیده متفاوت است. در این مورد همه عوامل را باید در نظر گرفت و مبلغ مهر مورد داوری نباید از یک سوم مهرالمثل تجاوز کند.

۷. در صورتی که زن به علت تخلفات قراردادی از شوهر طلاق گیرد مانند مواردی عمل می‌شود که شوهر بدون دلیل وی را طلاق می‌دهند.

۸. در صورتی که زن به علت جرایم شوهر و سایر تخلفات قانونی از وی جدا شود، دیه و خسارت جرایم نیز بر مهر افزوده می‌شود. که وفق مقررات فوق قابل تقسیط است.

۹. اگر زن بدون هیچ دلیل منطقی و تنها به خاطر زندگی بهتر و رها شدن از شوهر بخواهد طلاق بگیرد، باید حق درخواست طلاق وی محترم شمرده شود اما در مورد مهر با شوهر صلح کند و چنانچه صلح ممکن نباشد و زن وکالت در طلاق نیز نداشته باشد طلاق زن منوط به گذشت از مهر باشد. با این وجود، رعایت احسان به همسر به طرفین توصیه می‌گردد.

۱۰. درخواست طلاق بدون علت توسط بانوانی که زفاف و عروسی را انجام نداده‌اند و غیرمدخوله می‌باشند نیز باید بلامانع باشد. در این حالت نیز در صورت عدم مصالحه، به طریق اولی وقوع طلاق باید براساس احسان و در صورت عدم امکان احسان منوط به بخشش کامل مهر به زوج باشد.

امکان ندارد بدون بررسی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و روانی و به ویژه

حقوقی، میزان و مقدار مهر را طبق ضوابطی قانونمند و در چهارچوب غیر قابل انعطاف مواد قانونی قرار داد. هم چنین نمی توان حداقل و حداکثری برای مهر قایل شد. اما می توان در اجرای مهر به سبکی که در بالا ذکر شد، عمل کرد. قانونگذار هیچ گاه نمی تواند به زور مردم را برای مقدار مهر تحت فشار قرار دهد اما می تواند تعهد اجرای آن را به غیر از شیوه‌ای که خود مطلوب می داند از دوش خویش بردارد. مثل اینکه مهرهای تا مبلغ معین معاف از مالیات باشد و بالاتر از آن درصدی مالیات اخذ شود، یا قانونگذار اجرای مبلغ معینی از مهر (به اندازه دو یا سه یا چهار دیه) را بپذیرد و رسیدگی به مازاد آن را صرفاً به احسان و رضایت طرفین واگذار کند.

مهم رسیدن به اهداف عادلانه است، که با توجه به وضع حاضر و باز بودن دست قضات در تقسیمت مهر، امید است پیشنهادات فوق در آن راستا مطلوب طبع دادرسان شریف و جامعه اسلامی قرار گیرد.

